

### چند نکته ضروری

غلامرضا فدائی عراقی

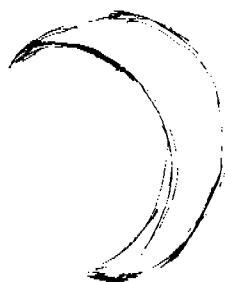
بسمه تعالی

پس از پایان جلسه انجمن کتابخانه‌های تهران، در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۳ دبیرکل محترم هیئت امنای کتابخانه‌های کشور خبر انتشار مجله دیگری به نام «پیام کتابخانه» (که در نامگذاری آن هم کمی تردید داشتند) را دادند و اظهار داشتند این همان مجله‌ای است که روزی با شما درباره آن صحبت کردم و شما با آن مخالفت کردید. در جواب گفتم ایداً. بنده با انتشار نشریه مخالف نیستم بلکه عرضم این بود که سعی شود از کارهای تکراری جلوگیری به عمل آید. در هر حال از من خواستند که ظرف مدت کوتاهی چنانچه بتوانم مقاله‌ای برای این نشریه بنویسم که به نظرم رسید به جای يك مقاله مستوفاً، به چند نکته در این مورد اشاره کنم:

۱. مطلق‌گرایی یکی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه ماست. مردم ما، به ویژه کم‌سوادان و علی‌الخصوص بی‌سوادان، آنهایی که قدرت تجزیه و تحلیل و حلاجی مطالب را ندارند و به عبارت دیگر فکر و ذهن آنها مشق و تمرینی نداشته است همه چیز را از دو حال خارج نمی‌دانند، یا خوب و خوب و یا بد بد. مسأله نسبت و مقایسه خوب با خوبتر و یا بد با بدتر نمره‌گذاری درجه‌بندی اصلاً مطرح نیست. همچون بچه‌ها که درباره هر کس می‌پرسند آیا خوب آدمی است و یا بد، و هرچه ببینند از خوبی و یا بدی آن سؤال می‌کنند شاید در جمع بندی کمتر کسی نسبت را در نظر می‌گیرد و به اصطلاح با جمع بندی خوبی‌ها و بدی‌ها کمتر به موردی نمره قبولی می‌دهد.

در گزینش نیروی انسانی هم شاید در بعضی از مراحل ما دچار چنین گرفتاری‌هایی شده‌ایم و به خاطر این که حاضر نبوده‌ایم به فرد مورد نظر خود کمتر از نمره ۲۰ بدهیم. لذا صفر داده‌ایم و او را رد کرده‌ایم. در حالی که این تلقی درست نیست. البته جامعه هم چنین تفکر و برداشت غلطی دارد آنها هم فکر می‌کنند اگر کسی به هر دلیلی برای جانی انتخاب نشد دیگر نمی‌تواند برای جانی مفید باشد و به فردی عاطل و باطل و یا مخالف تبدیل گشته است. دعوای گزینشگران و گزینش شدگان از این مقوله بوده است.

در مورد کتابها نیز چنین امری صادق است. ذهن جامعه ما به ویژه در فرهنگ عمومی قادر نیست سره را از ناسره مستقیم در همه موارد و بویژه زمانی که باید تجزیه و تحلیل صورت گیرد بازشناسی کند و چون قدرت باسخگویی در بعضی از مراحل نیست و یا باسخگویی به اشکالات و ایرادات کتاب‌ها و مقالات مجله‌ها دقت، نیرو و ساینده نشکلات و سازمان می‌خواهد ترجیح می‌دهد که صورت مسأله را باک کند و ایداً به سراغ آن نرود و شاید برای



توده جامعه هم که ذهنی نقاد و نقادی ندارند مناسب‌تر همین باشد اما در هر حال طرد يك مسأله و یا حذف آن واقعیت را عوض نمی‌کند و نسبیّت را از بین نمی‌برد.

در مورد وسائل آموزشی هم چنین است به خاطر این روحیه ذهنی بحث آموزش می‌شود ذهن‌ها بر روی آموزش عالی آن هم در سطح فوق‌لیسانس و دکترا متمرکز می‌شود که از جهتی هم حق همین است زیرا که نتایج نهایی همه آموزش‌ها در آنجا ظاهر می‌شود. اما واقعیت این است که هرم بدون قاعده و یا با قاعده‌ای نامناسب و ناهنجار و نالایق نمی‌تواند بطور مدام و مداوم رأسی مترقی، با فکر و باشعور تربیت کند و بالاخره دچار آسیب و یا منقرض خواهد شد. این جاست که توجه به آموزش به این معناست که باید کلیت آموزش را در نظر گرفت. همه سطوح را هم دید<sup>۱</sup>. بنابراین اگر حکمیت آموزش مطرح باشد دیگر ضعیف‌ترین و بالاترین و غیرکارآمدترین نیروها را در آموزش ابتدائی به کار نمی‌گیریم و آنهایی که از نظر حقوق و مزایا هم با دیگران قابل مقایسه نیستند حتی با دوره‌راهنمایی که يك دوره فقط از آنان بالاترند با هم مقایسه نمی‌شوند و نتیجه کار این خواهد بود که در بستر آموزشی ناهمگون و نالایق، انتظار پرورش انسانهای فکور، تحصیلکرده، محقق و دانشمند را کم می‌توان داشت و یا نمی‌توان داشت. البته این که می‌گویم بیشترین بها را به آموزش عالی می‌دهیم در مقایسه با وضعیت داخل کشور خودمان است و الا در مقایسه با کشورهای بزرگ و پیشرفته دنیا، این قضیه آنقدر تفاوت دارد که ذکر آن موجب سرافکنندگی می‌شود<sup>۲</sup>.

در مورد کتابخانه‌ها هم همین طور وقتی بحث از کتابخانه‌ها به میان می‌آید، ذهن ما متوجه کتابخانه ملی و یا کتابخانه دانشگاهی آن هم دانشگاهی معتبر و یا مراکز اطلاعاتی در يك مؤسسه تحقیقی و پژوهشی می‌شود که گرچه با مقایسه با کتابخانه‌های بزرگ و تخصصی کشورهای دیگر وضعیت ما کاملاً اسفبار است<sup>۳</sup> اما در مقایسه با دیگر کتابخانه‌ها بنظر می‌رسد از اهمیت بیشتری برخوردارند این را از این جهت عرض می‌کنم که در بستری که آشنایی با کتاب و کتابخانه در حد بسیار نازلی است و خواندن نقش و پایگاهی ندارد و کتابخانه جایگاه خود را نیافته است چه می‌توان کرد<sup>۴</sup>. و در شهر تهران، فی‌المثل بسیاری از مناطق آن کتابخانه عمومی ندارد<sup>۵</sup> و سرمایه‌گذاری لازم در امر مطالعه و کتابخوانی نشده است چگونه می‌توان انتظار داشت که کتابخانه‌های تخصصی ما مواجه با انبوه محققان و پژوهشگران باشد و تشنگی زائدالوصف آنان به امر پژوهش آنها را مقیم شبانه‌روزی کتابخانه‌ها نموده باشد. برآستی به چند مورد می‌توان اشاره کرد که محقق و یا پژوهشگری از راه دور و نزدیک به کتابخانه‌ای آمده و برای انجام تحقیق خود نیازمند به اتاق و سرویس لازم باشد و همه چیز در اختیار او قرار گرفته باشد<sup>۶</sup>. اگر هم چنین افرادی بوده‌اند، همان افراد بازنشسته قدیمی کثیرالسن که از گذشته با همه وجود خویش به امر تحقیق آن هم بیشتر در زمینه‌های علوم انسانی مشغول هستند که به این نوع زندگی عادت کرده‌اند<sup>۷</sup>.

وقتی کتابخانه‌های عمومی کشور از کمترین امکانات برخوردار است و در بعضی از موارد سرایدار نقش کتابدار را ایفا می‌کند و چهره‌ظاهری کتابخانه دلمردگی و غم می‌افزاید و وضعیت کتابها اسفبار است و تازه مردم از وجود کتابخانه در محلی که احداث شده اطلاع کافی ندارند طبیعی است که حاصل و نتیجه کار در مقاطع تحصیلی باید مشاهده شود که عمدتاً دانشجویان رده بالای ما بیش از آنکه بفکر کشف و درک حقایق و انجام پژوهش به معنای واقعی آن باشند عمر خویش را در کسب نمره قبولی می‌گذرانند و تحقیق‌های خود

۱. با ارزش‌ترین سرمایه هر جامعه، منابع طبیعی، در آمد ملی و شاخصهایی از این قبیل نیست بلکه وجع کیفی با تحصیلات و فرهنگ و هنر و از همه مهمتر ذهنیت مستعد برای شکوفائی‌های انسانهای گوناگون است. از آنجا که علم و تحقیق را مردم پی می‌گیرند، ارتقاء پذیرش عمومی از شرایط مهم توسعه و جامعه علمی تحقیقاتی است.

۲. در کشور آتریش، با ۷ میلیون جمعیت (حدوداً برابر شهر تهران) ۸۵۳ مؤسسه تحقیقاتی و دانشگاه (آمار سال ۱۹۸۹) وجود دارد.

۳. کتابخانه دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف به زحمت ۶۰۰۰ جلد کتاب دارد در مقابل کتابخانه دانشکده فیزیک وین (اتریش) بیش از ۳۰/۰۰۰ جلد و دانشگاه صنعتی شریف قبل از انقلاب ۱۶۰ نشریه ادواری مشترک بوده که در حال حاضر به زحمت به ۱۰ مجله می‌رسد در مقابل دانشکده فیزیک دانشگاه وین ۱۲۰۰ عنوان مجله دارد.

۴. این که خواندن عاداتی عام است و می‌تواند از طریق نهاد آموزشی و کتابخانه به حد کافی پرورده و گسترده شود باید از ارکان ایمان ما باشد. با در نظر گرفتن این واقعیت که چنین عادت‌هایی را می‌توان در آموزشگاهها و کلاسهای بزرگسالان پرورش داد تا به شناخت کامل رابطه میان آموزش و عادت مطالعه نیازمندیم. تنها با آموزش خواندن و داشتن کتابخانه‌ها، نمی‌توان این عادت را ایجاد کرد...  
موکرجی، ا.ک. تاریخ و فلسفه کتابداری. ترجمه اسدالله آزاد، مشهد آستان‌قدس، ۱۳۶۸. ص ۷۱

۵. در حال حاضر در شهر تهران حدود ۱۴ کتابخانه در ۸ منطقه شهر تهران وجود دارد و بقیه مناطق کتابخانه عمومی ندارند که امید است با تلاش انجمن کتابخانه‌های تهران و ارگان‌های عضو در این انجمن این نقیصه از نظر کمی به سرعت رفع شود.

۶. در مورد کتابخانه مجلس که یکی از معدود کتابخانه‌های بزرگ کشور است و گنجینه‌ای از ذخائر ارزشمند کشور در آن قرار دارد نه تنها سرویسی برای میهمانان ندارد که ساعات کار آن هم بقدری محدود است که کمتر کسی می‌تواند برای کار پژوهشی خود برنامه‌ریزی کند و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هم با کمی اختلاف وضعیت مشابهی دارند.

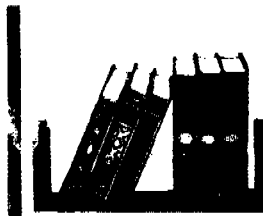
۷. بارها مشاهده کرده‌ام که استاد محیط طباطبائی با

را اگر هم زحمت فراوان کشیده باشند در حدی نیابند که با مشابهاات آن در خارج برابری کند.<sup>۸</sup>

۲. تشتت در تصمیم‌گیری از آفاتی است که گاه عمدتاً و گاه سهواً رخ می‌دهد در ارتباط با کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعات این امر وجود دارد. البته شاید یکی از دلایل هم این باشد که کتابخانه‌های ما در حال حاضر زیر نظر چندین مدیریت است کتابخانه ملی زیر نظر ریاست جمهوری، کتابخانه‌های عمومی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌های دانشگاهی و پاره‌ای از مراکز تحقیقاتی زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و کتابخانه‌های مدارس زیر نظر وزارت آموزش و پرورش. تازه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خود مقوله جداگانه‌ایست که استقلال دارد و کتابخانه‌های مساجد و اوقاف که بعضاً در حد بسیار خوبی است، مدیریت جداگانه دارند طبیعی است این تشتت سازمانی و تفرق مدیریتی خود در کاهش ضریب استفاده بهینه از محتوا و موجودی و حتی هماهنگ کردن موجودیتها تاثیر بسیار زیادی می‌گذارد. چگونه می‌توان وزارت آموزش و پرورش و یا فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا دیگر وزارتخانه‌ها و سازمانها را ملزم کرد که باید همکاری لازم را با دیگران داشته باشند. البته ناگفته نماند که قانون حدود و وظائف را مشخص کرده است ولی چنانچه تخطی از قانون شود کسی نیست که به سرعت خیردار شود و با سرعت از آن جلوگیری کند و از این گذشته پاره‌ای از موارد هست که در وظائف هر سازمانی می‌گنجد اما در سایه تفاهم و هماهنگی می‌توان ضریب استفاده را بالا برد و نتیجه کار را چندین برابر کرد.<sup>۹</sup> چنانچه در شورائی همچون شورائی عالی انقلاب فرهنگی و یا واحدهای تابعه آن وظائف دقیق و ارتباط هماهنگ بین واحدها مشخص شود و همکاری به عنوان اصلی تلقی شود که از آن تخطی نباید کرد وضعیت سازمان خواهد یافت و اگر چنین شود ربط موجودی ما از نظر کتاب و اطلاع مشخص خواهد گشت. بانک اطلاعاتی بوجود خواهد آمد و هر محقق و پژوهنده در اسرع وقت خود را با آن مرتبط خواهد کرد و از اینکه کتاب و یا مقاله و یا اطلاعی در کجای کشور و در نزد چه کتابخانه و یا مرکز اطلاعاتی و یا شخص پژوهشگر و محقق موجود است مطلع خواهد شد و چنانچه نیاز به تماس با خارج از کشور باشد با نظامی ارگانیک و هماهنگ در اسرع وقت اقدام و روند کار و نتایج تحقیقات در جایگاه خود ثبت خواهد شد تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد و منجر به هزینه اضافی و مجدد نگردد<sup>۱۰</sup> و مآلاً از محققان نخواهیم شنید که بگویند تحقیق در کشور به جایی نمی‌رسد و برای انجام پژوهش فقط باید به کشورهای خارج و کتابخانه‌های بزرگ آنجا رفت تا آنچه را که لازم است در اسرع وقت برایتان فراهم کنند<sup>۱۱</sup>

۳. کامپیوتر در جهان ما غوغا می‌کند و این موجود عجیب‌الخلقه مصنوع دست بشر به سرعت وارد زندگی روزمره اداری و اطلاعاتی ما شده است<sup>۱۲</sup>. کتابخانه‌ها نیز از این موهبت بی‌نصیب نیستند. از ورود آن به کتابخانه‌ها باید شادمانی کرد و خوشحال شد. اما باید در رابطه با بی‌گدار به آب زدن‌ها و عجولانه تصمیم گرفتن‌ها خطر یکباره متوقف شدن را در بعضی از موارد پیش‌بینی نمود. ورود کامپیوتر در دستگاههای اداری و اطلاعاتی و علمی برای آنان که غم تکنولوژی ندارند و از آسیب دیدن قطعات و تعویض آن نمی‌هراسند و با دانش بهره‌برداری آن کاملاً آشنا هستند امری است لازم و ضروری. اما آنجا که چنین خبرهایی نیست و یا به وسعت کشورهای پیشرفته نیست و وابستگی ارزی و ریالی آن به

دردست داشتن دو عصا، و عمدتاً پای پیاده نفس نفس زنان به کتابخانه مجلس می‌آید تا با دیدن دوستان قدیمی خود و گپی و حال و احوالی اندکی روح خود را از خستگی‌های زندگی برهاند او که وجودش مسئلو از خاطرات و ذهنش سرشار از محفوظات و معلومات است و من در عجبم که این نیروها بسادگی از دست می‌روند بی‌آنکه ما بهره لازم را از وجود آنان برده باشیم. یک روز با وزیر محترم ارشاد این مسأله را در میان گذاشتم و ایشان در جواب به فعالیت کیهان فرهنگی و انجام مصاحبه‌هایی چند اشاره داشتند.



۸. امارات متحده عربی در سال ۱۳۶۵، ۱۰ برابر ما و عربستان سعودی ۱۸ برابر ما و نیجریه ۶ برابر ما تحقیقات علمی داشته‌اند مقام کشور ما از اتیوپی و یکی دو کشور دیگر بهتر است. فصلنامه علمی پژوهشی، ۱۰۱ ص ۲۳.

۹. در قبل از انقلاب برای مراکز اسناد و اطلاعات شورائی به نام شورائی سیاستگزاری مراکز اسناد وجود داشت که نقش هماهنگی را در حد بسیار نازلی انجام می‌داد. اکنون کمیته اطلاع‌رسانی عمومی PGI زیر نظر کمیسیون ملی یونسکو تشکیل شده که هدفش انجام هماهنگی نسبی بین مراکز اطلاعات و کتابخانه‌های کشور است.

۱۰. هیچ کتابخانه‌ای در سراسر دنیا پیدا نمی‌شود که قادر باشد به تنهایی بودجه لازم برای خرید تمام منابع مورد نیاز مراجعان خود را فراهم آورد حتی اگر بودجه کافی داشته باشد. هیچ کتابخانه‌ای نمی‌تواند تمام منابع خود را با همان سرعت و میزانی که چاپ و منتشر می‌شوند تهیه کند دو نکته فوق موجب می‌شود که کتابداران و متخصصان علم اطلاع‌رسانی تلاش خود را در جهت همکاری بین کتابخانه‌ها و شبکه‌های کتابخانه‌ای و استفاده مشترک کتابخانه‌ها از منابع یکدیگر متمرکز کند.

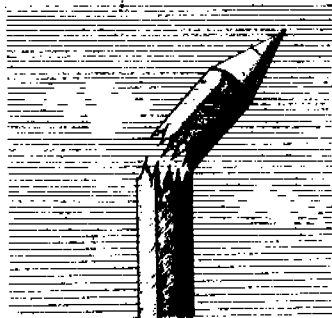
فدائی غلامرضا، نقش ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و گسترش اطلاعات، تهران. اطلاعات علمی اسفند ۶۹.

نسبت خیلی زیاد است باید احتیاط کرد والا هم فی‌الاهم نمود و به یکباره همه سیستمهای دستی را در همه جای کشور از بین نبرد و آهسته آهسته و متناسب با نیاز جامعه و مصرف کننده کامپیوتر را به خدمت در آورد<sup>۱۳</sup>.

۴. تقسیم کار بویژه در امور فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است با توجه به کمی نیروهای کیفی فرهنگی و کمبود امکانات و بودجه اگر تقسیم کار نشود تلاش‌های فرهنگی به هرز می‌رود سبیل کاریها افزایش می‌یابد کار فرهنگی زیاد می‌شود اما بازده فرهنگی چیز قابل توجهی نخواهد بود. کارهای دوباره و یا چند باره انجام خواهد شد. هر کس به مقتضای حال و مقال و سلیقه خویش دست به کاری می‌زند که از عهده بر نمی‌آید و طرح و برنامه مشخص و مدونی برای مدت حداقل چند سال ندارد شاید هم بتوان گفت تشتت و تفرق و تشکیلات هدایت کننده کتابخانه‌ها خود به این عامل مهم عدم تقسیم کار دامن می‌زنند. وقتی هر وزارتخانه‌ای در قالب وظائف مصوب خویش بودجه آموزشی و جداگانه دارد و اگر نه معاونت فرهنگی که دست کم بخش فرهنگی دارد خود مشخص است که چه اتفاقی می‌افتد. مضافاً در قالب بخش‌های تعاونی و یا غیر دولتی و شرکتها و بخش خصوصی هم فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد اما پراکنده از هم و جدای از یکدیگر. بطوری که در شهر قم تنها بیش از ۵۰ مؤسسه تحقیقاتی بر روی مسائل اسلامی و انسانی به کار مشغول بوده که عمدتاً ارتباط مشخصی هم با یکدیگر نداشته‌اند. کف نفس و خویشتن داری و تنزل از نیت‌های شخصی و یا سازمانی نیاز به الزام‌های قانونی ندارد بلکه ایثار می‌طلبد و اخلاق دلسوزی و عشق اعتلای وطن می‌خواهد که هر کس باید آن را در عالم نسبت و نه اخلاق بررسی کند و بسنجد. وقتی مقدمات کار فهرست مندرجات، مجله‌ای که اخیراً توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌ها در شرف انجام بود عرض کردم که کار بسیار خوبی است ولی باید تلاش کنید تا با هماهنگی دیگر مسئولان و متولیان این کار صورت بگیرد که پس از چندی دستگاه دیگری بگوید بدلیل داشتن فلان نقاط ضعف باید ما از نو کار را شروع کنیم. هم اکنون آستان قدس رضوی در این زمینه فهرست مندرجات منتشر می‌کند که اگر چه با این مجله جدید تفاوت‌هایی دارد ولی بهر حال فهرست مندرجات است امید است که با اطمینان از انتشار این یکی، آن دیگری متوقف شود و یا مسیر کار خود را عوض کند، تا با صرف کمترین امکانات و نیروها بتوان بیشترین خدمت را به جامعه تحقیق، نمود.

در واقع باید دانست که ما آنقدر کار انجام نشده داریم که از حساب بیرون است. در همین زمینه کتاب و کتابداری و کتابشناختی، جایگاه نقد کتاب\* نقد مقالات مجله‌ها، کتاب‌های در حال نشر\*\* عملکرد ناشران، کتابهایی که باید چاپ شوند، فهرست مقالات، چکیده‌ها و نمایه‌ها خالی است که هم آنها نیرو و امکانات و عزم و اراده‌ای آهنین و استوار جهت شروع و ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت ادامه می‌خواهد اگر دست اندرکاران فعالیت‌های فرهنگی بر اساس حسن تفاهم از سر دلسوختگی واقعی نسبت به نیازمندیهای علمی و تحقیقاتی کشور گردهم جمع شوند و اگر مرکزیتی جهت دریافت و پخش اطلاعات و در صورت لزوم مشاوره و هدایت بوجود آید می‌تواند نقش بسیار حساس و جدی در این زمینه ایفا کند البته بشرطی که همه نسبت به آن تمکین کنند. گاه اتفاق افتاده است که در زمینه ترجمه کسی کتابی را ترجمه نموده و به ناشر سپرده است و پس از انتشار متوجه می‌شود که همزمان شخص دیگر بدون اطلاع او چنین کاری را کرده است. فهرست قبل از چاپ یکی از

۱۱. یکی از دوستان دانشگاهی که اخیراً برای فرصت مطالعاتی به فرانسه رفته است قبل از عزیمت با خستگی مفرط از تلاش برای یافتن منابع تحقیق و مطالعه اظهار می‌داشت واقعاً انسان اینجا کلافه می‌شود و دنبال هر چه می‌گردد کمتر پیدا می‌کند. ۱۲. تکنولوژی مربوط به کامپیوترهای شخصی نیز هر روز بهتر و قویتر می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که این افزایش در قابلیت‌ها، باید موجب زیاد شدن ارزش اطلاعات و ارتقاء سطح کاربردها بشود اما متأسفانه چنین نیست کم توجهی به ارزش اطلاعات عامل بازدارنده‌ای برای ارتقاء سطح کاربردها شده است و روند استفاده از انفورماتیک در ایران به حالتی بحرانی و مفشوش دچار شده است. گسترش صنعت سنگین، چهارشنبه ۲۳/۵/۱۳۷۰ ص ۱۵.



۱۳. ... یک وزارتخانه صد دستگاه کامپیوتر شخصی خریده است و در به در دنبال شرکتی می‌گردد که ظرف شش ماه آخر سال سیستمی را روی این کامپیوترها طرح و اجرا کند. اصراری که در مورد سرعت انجام این کار می‌شود و اغماضی که نسبت به کیفیت کار وجود دارد حاکی از این است که نقش این سیستم نه رفع مشکلی از وزراتخانه بلکه توجیه آن خرید خواهد بود سازمان دیگری یکی از بزرگترین کامپیوترها را به خارج سفارش داده بدون این که تحلیل جامع و برنامه روشنی برای بکار گرفتن آن موجود باشد و از قرار معلوم مشخصات دقیق خود کامپیوتر هم معلوم نیست. گزارش کامپیوتر، ماهنامه انجمن انفورماتیک ایران، سال دوازدهم شماره ۳، مرداد و شهریور ۶۹ سر مقاله.

× Book Review

×× Books in Print

## در همین زمینه کتاب و کتابداری و کتابشناختی آقدر کمبود داریم که از اندازه بیرون است.



۱۴. تعدادی از نشریات با سابقه خارجی بدین نام اند که عمدتاً در زمینه مسائل کتابشناختی و کتابداری هستند.

مثلاً Newyork times Index از ۱۹۱۳ به بعد، Index to times، ۱۹۰۷، Reader's Guide to preiodical Littrature Applide science & technology Index. ۱۹۱۴ - Library literature از ۱۹۳۴ منتشر شده‌اند مراد مقدمه‌ای بر خدمات مرجع عمومی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷.

۱۵. تعدادی از نشریات با سابقه ما بدین شرح اند. صف که نام سابق آن مهنامه ارتش بوده است از سال ۱۳۰۰ و مجله آینده که از سال ۱۳۰۴ منتشر شد و پس از یک توقف طولانی نشر آن مجدداً از سر گرفته شده است اطلاعات هفتگی از سال ۱۳۲۰ و آفات و بیماریهای گیاهی ۱۳۲۵ و مجله دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۶ نیز جزو مجلات قدیمی هستند.

راهنمای مجله‌های ایران، ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۱۶. فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۱، ص ۱۶.

مسائلی است که سالها مورد بحث است و هنوز متولی مشخصی ندارد. در حالی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند بابرقراری ارتباط سه جانبه بین مؤلف یا مترجم، ناشر و کتابخانه ملی در اسرع وقت به این کار ظرفیت مبادرت ورزد و نتیجه این خواهد شد که زحمت چندین ساعته فهرست‌نویس را صرفه‌جویی خواهد کرد و از بلا تکلیفی کتاب در اتاق‌های کتابخانه قبل از ورود به سالن مطالعه جلوگیری خواهد کرد.

۵. ادامه کار اگر از شروع کار مهتر نباشد کم اهمیت تر نیست. آغاز کار در کشور ما علیرغم همه مشکلاتی که دارد با تداوم کار خیلی بیشتر و شایع تر است. بسیاری از کارها شروع می‌شود ولی پس از مدتی متوقف می‌شود و یا به خاطر وجود موانع مختلف آقدر با تأخیر توأم می‌شود که خود همانند تعطیل است. مجله فهرست مندرجات، در زمینه علوم و علوم اجتماعی در مراکز اسناد و مدارک علمی قبل از انقلاب در می‌آمد که پس از مدتی متوقف شد اکنون که طلیعه فهرست مندرجات جدیدی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آشکار شده است امید می‌رود که به دیری بپاید. اما به راستی چه کسی می‌تواند چنین امری را تضمین کند که این مجله و یا امثال آن برای مدتی دراز ادامه داشته باشد شما به نشریات خارجی بنگرید اکثر آنها عمری بیش از ۵۰ سال و یا بیشتر دارند<sup>۱۴</sup> در آنجا مراکز علمی فارغ از جریانات سیاسی و بدور از تصمیمات عجولانه مدیریت است اما اینجا گاه به مقتضای عشق، علاقه و فهمی که نسبت به مسائل فرهنگی دارند و یا بعضاً بخاطر خودنمایی و یا مؤسسه و سازمانهایی و براساس سلیقه شخصی اقدام به کاری می‌کنند اما با تفویض مدیریت همه چیز دگرگون می‌شود و به هدر می‌رود. این به راستی نه تنها ضایعه که فاجعه است. چگونه کشوری می‌تواند ادعای فرهنگی بودن کند در حالیکه مسائل علمی و فرهنگی اش دستخوش ناهمگونی و ناهمواری‌هاست. بدیهی است وجود چنین محیط و جوی رغبت محقق و پژوهشگر را می‌کشد و امید امیدواران را نسبت به استفاده مستمر از یک جریان فکری علمی بیار می‌دهد. فصلنامه کتاب که مربوط به کتابخانه ملی است و باید هر فصل شماره‌ای از آن ظاهر شود حدود یک سال است که از اولین شماره آن می‌گذرد. کیهان فرهنگی مدتی است تعطیل شده بود. (و خوشبختانه انتشار مجدد یافته). من به پدید آوردن نشریه فهرست مندرجات عرض کردم که با آنکه زحمت آن همچون سایر نشریات نیست ولی در صورتی ارزشمند خواهد بود که استمرار و در سایه استمرار تکامل داشته باشد<sup>۱۵</sup>. در کشورهای دیگر در ارتباط با مقالات تحقیقی مجله‌ها و چه بسا کتابها پیش چاپ<sup>\*\*\*</sup> دارند یعنی قبل از اینکه مقاله‌ای مراحل چاپ و انتشار را که در آنجا خیلی هم زیاد نیست بگذرانند به دست محقق ذیربط می‌رسانند تا هرچه سریعتر او را با حاصل تحقیقات انجام شده توسط دیگران آماده کنند و او را منتظر گرفتاریهای چاپ و توزیع پس از آن نکنند<sup>۱۶</sup>.

۶. کیفیت باید همانند کمیت مورد توجه قرار گیرد. کیفیت از نظر آنچه عرضه می‌شود و کیفیت نسبت به شیوه عرضه و جذب و جلب افراد به کتاب و کتابخانه و مطالعه. باید از حداقل کمیت موجود حداکثر استفاده را برد. مردم از مطالعه چقدر بهره می‌برند، چقدر با روشهای مطالعه و صحیح خوانی، یا پژوهشگری، ثبت و ضبط و نگهداری یادداشت‌ها و احیاناً روش تحقیق و گزارش نویسی آشنا هستند. کسانی با علاقه و تجارب شخصی و با صرف یک عمر زندگی پژوهشگرانه خویش به نتایجی دست یافته‌اند و احیاناً با روش و یا روشهایی هم خو گرفته‌اند. ولی چقدر این تجربیات حاصل زحمات به سمع مردم رسیده

## ورود کامپیوتر برای آنان که غم تکنولوژی وسایل و تعویض ندارند، غصه آسیب آن را ندارند، مشگل ارزی ندارند، لازم و ضروری ست، اما....



۱۷. مطالعه، همچون سایر فعالیتهای انسانی، تا حد زیادی، تحت تاثیر دگرگونی اجتماعی قرار گرفته است. هرچه جامعه‌ای پویاتر باشد، میزان سرعت دگرگونی اجتماعی آن به افزایش مطالعه، افزایش درخواست تلاش و اطلاعات می‌انجامد بیشتر می‌شود. در این موارد جامعه عاملی تعیین کننده است. اگر فرد به جامعه‌ای کاملاً پیشرفته متعلق باشد برای حفظ پایگاه خویش در جامعه به کوششی آگاهانه در جهت تشویق نمودن عادت مطالعه که به ساختار نیازهای او مربوط است. دست می‌زند. می‌خواند چون باید بخواند. می‌خواند چون مجبور است پنداری از آنچه که در اطراف وی در این دنیای عظیم می‌گذرد داشته باشد می‌خواند چون نیازمند اطلاعات است.

موکر جی. ا. ک. تاریخ و فلسفه کتابداری، ترجمه اسدالله آزاد ص ۷۲.

۱۸. از نظر تاریخی پیشرفت یک ملت در دستاوردهای فرهنگی آن باز می‌یابد و پیشرفت کتابخانه‌ها، نشانه راهنمای فرهنگی هر ملت، به فشار عمومی برای بهبود وضع اجتماعی، اقتصادی و فکری و تا حد زیادی اندازه و سازمان اجتماعی که کتابخانه باید در آن به کار پردازد و مشروط است. کتابخانه بخشی از چشم‌انداز فرهنگی عام است.

موکر جی. مقدمه‌ای بر خدمات مرجع عمومی، ص ۱۴۰.

است. آیا مصاحبه با این افراد نمی‌تواند هم اهمیت مطالعه، برای مردم تداعی کند و هم روش‌های بهینه را به آنها تفهیم نماید آموزش استفاده از کتابخانه آنهم بصورت مستمر چقدر معمولی و در حد عالی و کیفی آن وجود دارد. از اینکه کتابخانه‌ای عمومی و یا دانشگاهی بویژه در فصل امتحانات از دانشجویان و دانش‌آموزان پر می‌شود نمی‌توان به افزایش علاقمندی به مطالعه و کتابخوانی رسید. شاید مهمترین سازمان پس از خانواده آموزش و پرورش باشد که می‌تواند با استخدام و تشویق معلمان قوی و اهل مطالعه و با عنایت به زندگی مادی آنان رغبت مطالعه و توجه به کتاب و کتابخوانی را با شیوه‌های صحیح در وجود کودکان از همان دوران ابتدائی دانش‌آموزان نهادی کنند<sup>۱۷</sup>. شما به کتابخانه سری بزنید و بویژه به کتابخانه‌های عمومی خواهید دید که بسیاری از کتابها برای سالها دست نخورده باقی مانده‌اند. بسیاری از افراد از نزدیک شدن به بعضی از کتابها یا بعلت سنگینی مطالب و یا ناآشنایی به زبان آن و یا عدم معرفی و تبیین از جانب شخصی و یا نهادی و یا حجیم بودن آن ابا دارند. شاید استفاده از کتابهای مرجع را بسیاری نمی‌دانند. مقررات دست و پا گیر هم که در کتابخانه‌ها وجود دارد از انتقال کتاب‌های بی‌استفاده و یا کم استفاده به محل‌هایی جهت استفاده بیشتر و یا دست کم بصورت امانت بین کتابخانه‌ای می‌کنند و این غیر از کتابهای نفیس و نسخه‌های خطی ارزشمندی است که باید شدیداً محافظت شود.

۷. ارتباط محققین با کتابخانه‌ها باید اصل شود. اما کمتر کسی واقعیت آن را لمس می‌کند. آنان که به کار تحقیق مشغولند و ساعت‌هایی از عمر خویش را صرف یافتن مطالب و مواد مورد لزوم می‌کنند به اهمیت کار کتابخانه خوب پی می‌برند. البته شاید هم پی نبرند باین دلیل که نمی‌دانند کتابخانه می‌تواند چنین وظیفه سنگینی را به عهده بگیرد، زیرا وقتی کتابدار مجرب و با سوادی بر سر کار نباشد و حداقل همانند یک مغازه‌دار نسبت به موجودی مغازه خویش و کیفیت ظاهری محصولات که عرضه می‌کند اطلاعی نداشته باشد، چگونه می‌تواند در مواقع لزوم مورد مشاوره قرار گیرد. اما چنانچه با وجود کتابداران قوی و مطلع کتابخانه به عنوان یک ابزار قوی تحقیق و یک بازوی محکم مشاوره مورد توجه قرار بگیرد و یا دست کم واسطه و رابطی جهت برقراری ارتباط بین محققان و منابع اطلاعاتی باشند طبعاً کتابخانه جایگاه خود را باز می‌یابد. البته در این زمینه هم به کتابخانه‌های عمومی نسبت به کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی کمتر به عنوان ابزار تحقیق نگرسته می‌شود در حالی که اگر فرهنگ عمومی به عنوان یک رشته و یا رشته‌های علمی مورد مذاقه و تحقیق قرار گیرد که ناگزیر باید چنین باشد بزرگترین ابزار تحقیق در این زمینه خواهند بود و اصولاً مراکز تحقیقاتی کشور و بویژه شورای فرهنگ عمومی که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است باید با طرح سوزده‌های مورد نیاز جامعه و بسیج علاقمندان و تقویت کتابخانه‌های عمومی جهت سرویس لازم برای این امور تلاش بیشتری را آغاز کنند. اگر شهرداریها با همه گرفتاریهایی که دارند و مقامات سیاسی و دانشگاهی که بر روی مسائل اجتماعی کار می‌کنند، کار تحقیقاتی خود را از درون کتابخانه‌های عمومی شروع کنند و ثمرات تحقیقات خود را نیز در اختیار آنها قرار دهند موجب تقویت کتابخانه‌ها به عنوان پایگاه‌های تحقیقاتی خواهد شد<sup>۱۸</sup>. اصولاً اگر شهرداریها توجهی که این روزها به فضای سبز می‌کنند که حق هم هست، درصدی از آن را به کتابخانه‌ها می‌کردند آنوقت مردم می‌فهمیدند که مطالعه جزو زندگی آنان است و

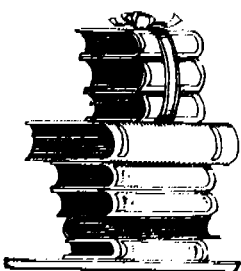
همچون فضای سبز که به زندگی نشاط می دهد مطالعه نیز به روح انسان قوت و توانائی می بخشد.

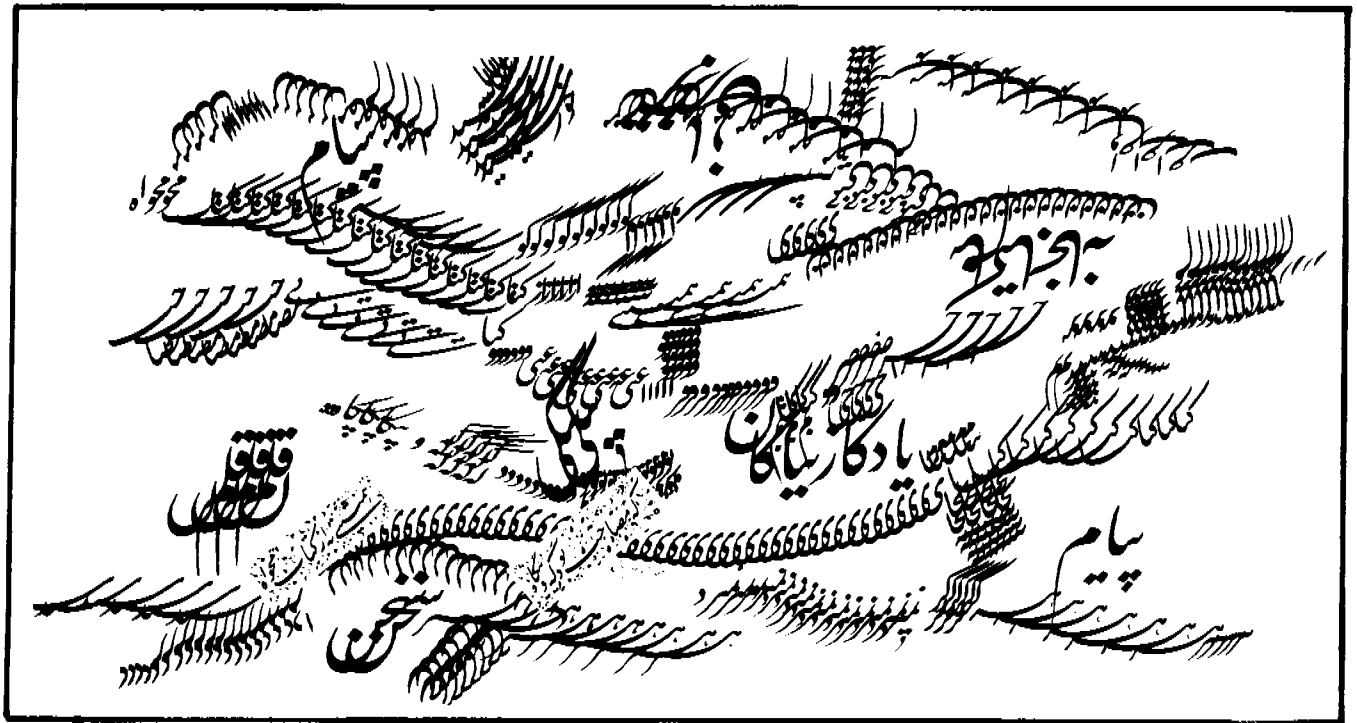
۸. تبلیغات در جهان ما نقش آفرین است. در مورد همه چیز تبلیغات نقش تعیین کننده دارد. اگر فعالیتی سیاسی انجام می شود اول تبلیغات و زمینه سازی می شود. اگر کالائی اقتصادی قرار است بفروش برسد گاه بیش از نیمی از اعتبار صرف تبلیغات می شود و اگر از نظر اجتماعی و فرهنگی بخواهند فکری را پیاده کنند متوسل به تبلیغات می شوند. البته تبلیغات اگر صرفاً درباره هر کس و هر چیز بیان آنچه هست باشد امری مطلوب است و بمعنی ابلاغ و رساندن و کاری مفید است. درباره کتابخانه ها و کتابخوانی ما نه تنها واقعیت آنها را ننمایانده ایم که حتی بسیاری از توهمات و ناصوابها را در ارتباط با آنان از صفحه ذهن و دل مردم زدوده ایم. مضافاً بسیاری از مردم تصویری صحیح، آنچنانکه باید از کتابخانه ها ندارند. بنا بر این بنظر می رسد که باید در ارتباط با شناساندن کتابخانه ها به عنوان کانون های فرهنگی از طریق صدا و سیما مطبوعات، بحث در محافل و مجالس و مدارس و دانشگاه بیش از پیش کوشید. باید نمونه های عینی و عملی را به مردم عرضه کرد. باید علاقمندان به مطالعه را به مردم شناساند باید محققان زبده و چیره دست را به مردم معرفی کرد و بویژه از آنها خواست که ارتباط خود را با کتاب و کتابخانه برای مردم بیان کنند و نشان دهند که چگونه با کتاب برخورد کرده اند و چقدر آن را عزیز داشته اند و با چه شیوه ای گمشده خود را از دل آنان بیرون کشیده اند و در ایام خلوت و فراغت با چه عشق و شوری با آن به نجوا پرداخته اند. باید مردم بدانند که کتاب و کتابخانه چه نقشی در پرورش شخصیت علمی و فرهنگی آنان داشته است باید از انواع و اقسام امکانات جهت عرضه کتابخانه و خدماتی را که می تواند ارائه کند بهره برد باید هم مسئولان بویژه شهرداران جهت بر کردن بخشی از ساعات فراغت مردم در کتابخانه ها سرمایه گذاری کند. چگونه است که مردم برای دیدن يك مسابقه ورزشی به اصطلاح سر و دست می شکنند، پول هم می دهند اما در مورد کتابخانه آن شور و شوق نیست. بدیهی است که ارائه بهترین سرویس ها در کتابخانه ها خرج دارد باید برای آن سرمایه گذاری کرد. جذب بهترین و متخصص ترین انسانها به عنوان مشاور اعتبار می خواهد. چون در این زمینه کار نشده است ممکن است گفته شود که جامعه از این امر استقبال نمی کند و چون جامعه استقبال نمی کند پس کار بیشتر فایده ندارد و این دور باطل همچنان ادامه پیدا کند در حالی که اگر صلاح اندیشان جامعه به فکر باشند و کتابخانه ها را به محل تحقیق و مراکز برخورد اندیشه و آراء تبدیل و کنار آن وسائل سرگرمی و خدمات جنبی نیز پیش بینی کنند جامعه آن را پذیرا خواهد بود. چه می شد اگر در هر محله ای کتابخانه و کتابخانه هایی می بود و افراد شاخص و سرشناس علمی و فنی و هنری با آن در ارتباط بودند و طبق برنامه های منظم در محل حضور می یافتند و با پاسخ به نیازهای علاقمندان افراد بیشتری را جذب و راهنمایی می کردند. چه می شد اگر بست در خدمت کتاب رسانی به جامعه علاقمند از کتابخانه وارد عمل می شد همچنانکه در رابطه با جانبازان این کار را شروع کرده است. و با هماهنگی با کتابخانه ها مسئول رساندن کتاب و تحویل بموقع آن می بود، در نمایشگاههای بین المللی کتاب چه در داخل و یا خارج کشور، سهمی را بسود کتابخانه های عمومی در نظر داشته باشند و بحث ها به همان اندازه که در رابطه با فیلم و تئاتر در مجله ها روزنامه ها به ویژه سروش می شود درباره کتاب و کتابخانه ها نیز صورت گیرد.

انشاء...

**اگر شهرداری توجهی را  
که این روزها به فضای سبز  
شهر دارد به کتابخانه ها  
می کرد، مردم هم درک  
می کردند که مطالعه به  
اندازه فضای سبز برای  
کیفیت زندگی لازم است.**

**تشتت در تصمیم گیری ها،  
مدیریت های متعدد در مورد  
کتابخانه ها مانع هماهنگی  
و همکاری در زمینه رشد  
و توسعه کتابخانه ها شده  
است.**





## یادداشتی بر طرح روی جلد

هنرمند خطاط در انزوای خود و در کشف و شهود هنرمندانه‌اش به آن اوج رسید که از خطاطی هنری یگانه و بی‌بدیل و منتها ساخت. هویت و ارزش ادبی خط را از آن گرفت و آن را پالوده کرد و به «سیامشق» رسید. یعنی زدودن هویت ادبی خط و بدل کردن خط و حروف به عناصر زیبایی شناسی صرف، به موتیف‌های حرکتی که در انحنایها و کژی‌ها، در قوس‌ها و س‌ها و در عمود الف‌ها نواخت موزونی و هماهنگی را شکل دهند که اوج خلاقیت هنرمند منزوی و سخت‌کوش ایرانی‌ست، در خلوت خود و در مکاشفه خویش و در پرستش الوهیت.

نواختی ترکیبی تر دست یابد. به حرکت موج‌وار حروف و کلمات دقت کنید. به تداخل نامنظم و غیر موزون حرکات قلم و حروف دقت کنید تا دریابید که توازون و نظم مشخص این حروف یا کلمات از نوعی نظم بصری و زیبایی شناسی برآمده از انضباط درونی هنرمند پیروی می‌کند. این ترکیبی پیچیده‌تر، چون يك سنفونی را به دست می‌دهد و از اصل موسیقاری پیروی می‌کند و در عین حال همه ویژگی‌های امروزین گرافیک را در خود دارد. این دوره‌ای جدید را در کار استاد احصائی نوید می‌دهد.

اینجا اما استاد احصائی دست به تجربه‌ای تازه زده است. او بار دیگر هویت ادبی حروف فارسی - خط فارسی را به سیامشق سنتی خطاطی ایرانی می‌افزاید، و می‌کوشد تا به ضرباهنگ، به نواخت و هماهنگی موزون و خوش نواز و خوش پرداخت جدیدی دست یابد که زیبایی را نه از پس موتیف‌های بسیط، بلکه از طریق تحرك عناصر مرکب خطاطی به چنگ آورد. پس به جای حرف تنها، از کلمات، از انحنایهای خود حروف و حرکت دست خود، از حرکت‌های اجباری حروف و از تحرکات ارادی دست خود سود می‌برد تا به اثری پیچیده‌تر، موزون‌تر با

هنرمند خطاط در انزوای خود و در کشف و شهود هنرمندانه‌اش به آن اوج رسید که از خطاطی هنری یگانه و بی‌بدیل و منتها ساخت. هویت و ارزش ادبی خط را از آن گرفت و آن را پالوده کرد و به «سیامشق» رسید. یعنی زدودن هویت ادبی خط و بدل کردن خط و حروف به عناصر زیبایی شناسی صرف، به موتیف‌های حرکتی که در انحنایها و کژی‌ها، در قوس‌ها و س‌ها و در عمود الف‌ها نواخت موزونی و هماهنگی را شکل دهند که اوج خلاقیت هنرمند منزوی و سخت‌کوش ایرانی‌ست، در خلوت خود و در مکاشفه خویش و در پرستش الوهیت.



## کتابداری

